

اسناد خطی شهر غلغله

فالنامه

(۵)

قسمت دوم فالنامه که از صفحه (۱۴۴) تا آخر صفحات موجوده کتاب (صفحه ۳۴۹) را دربر میگیرد و از نقطه نظر روش خط بیک شیوه نوشته شده مشتمل بر چهار رساله است ، اختیارات الایام ، (از صفحه ۱۴۴ تا صفحه ۱۵۷) جواهر ادعیه (از صفحه ۱۵۸ تا صفحه ۱۹۴) کتاب فرعه (از صفحه ۱۹۸) تا (صفحه ۲۴۶) رساله نجوم (از صفحه ۲۶۸ تا صفحه ۳۴۹) البته صفحاتی چند شامل بعضی یاد داشت ها و بعضی مطالب دیگر هم دارد که شرح آن در (حصه ۳) این مقاله (صفحه ۱۷ شماره ۸۷ مجله مراجعه شود) داده شده است . اینک به شرح مختصر هر رساله و دیگر مطالب عمده می پردازیم .

اختیارات الایام ، این رساله مقدمه و تمهیدی ندارد اسم مولف یا مصنف آن هم معلوم نمیشود ولی موضوع کاملاً روشن است که اصل اساس آن در ماخذ غیر اسلامی در متون پهلوی و اوستائی وجود داشته . وضع اسما برای ایام سی روزه ماه و کیف و تاثیر آن در واقعات روز مره زندگانی سابقه بی دارد که به تسلسل ماخذ مختلف پهلوی به اوستائی رسد . اسما ایام ماه ماننده ، اورمزد ، بهمن اردشهر ، اسفندار مئذ ، خرداد ، مرداد ، دی ، آذر ، آبان ، خور ، تیر ، کوش ، بهرام ، رام ، اشتاد ، ارد ، و غیره خود نشان میدهد که مبدا این نام ها کجاست . علاوه برین در بسیاری مواقع از ایام و عجم یاد و به معتقدات و عادات ایشان درین روز ها اشاره ها شده که همه موید نظریه فوق است . چون تا سه چهار قرن اول هجری هنوز هم آثار و مولفات به پهلوی تحریر میشد شبه نمی نیست که دانشمندان قرون اولیه اسلامی چه در کشور ما و چه در ایران از آثار پهلوی استفاده میکردند و کم کم در پرتو معارف اسلامی نوشته ها قهرا رنگ فرهنگ اسلامی بخود میگریفت . مدعی نیستم که رساله اختیارات الایام بصورت مستقیم از کدام ماخذ پهلوی ترجمه و یا اقتباس شده ، خیر چنین مفسکوره نمی بایست و شیوه بیان متن رساله اصلاً بخاطر هم نمی آید ولی تاثیر فرهنگ قدیمه در آن قابل انکار نیست . بعد از عنوان یعنی نام رساله متن چنین شروع میشود :
« جعفر بن محمد الصادق گوید رضی الله عنه روز کارها بار سیان را هر ماهی سی روز را بگویند که هر روز را نام چیست و آن کدام فرشته است و از فرشته بر چه موکل است و این روز مرجه کار را شاید و بار سیان این روز را چه نام خوانند » برای نشان دادن چگونگی روش سبک متن رساله به سلسله سابق دوسه نمونه اتخاذ میکنم .

نمونه هفتم نثر از صفحه ۱۴۴ ،

« دوم روز را بهمن خوانند و این نام فرشته است کی موکل است بر کبایها و افت ها

جعفر بن محمد الصادق گوید کی این روزی نیک است تزویج را و سفر را و خرید و فروخت را و هر کاری که اندرین روز کنی براید و هر جا جتی که خواهی روا شود و هر کرا اندرین روز فرزند آید غالب بود بر مردمان و بزرگ منش بود و عجم هم چنین گوید که روزی نیک است .

نمو نه هشتم نثر از صفحه ۱۴۵

« پنجم روز را اسفندار مند خوانند نام فرشته است کی مو کست بر زمین و جعفر محمد الصادق گوید که این روز بدست قایل ادم علیه اسلام اندرین روز زاد و برادر را بکشت و کینه و اندوه میان قوم خویش افکنند و اندرین روز هیچ حاجت نباید خواست و پیش سلطان نباید شد و فراغت باید کرد و عجم گوید این روز بدست سفر را نشاید و هر کرا اندرین روز فرزند آید بترین خلق بود .

نمو نه نهم نثر از صفحه ۱۴۷

« چهارم روز را کوش خوانند نام فرشته است کی موکل است بر چهار بیان بر کشته ها و راهها روزی مهتر است و عجم گوید کی این روز نیک است سفر کردن را بشاید و هر کرا اندرین روز فرزند آید با ادب بود و با خواسته .

نمو نه دهم نثر از صفحه ۱۵۳

« بیست و سوم روز از ماه را اشتاد گویند و این روز بود که فرعون لعنة الله با سباهش غرق شدند و موسی علیه السلام و بنی اسرائیلان پیروز آمدند این روز فرخ است و کزیده مرهمه کارها را خاصه مرسفر را اما نشاید تزویج را و هر فرزندی که آید اندک مال بود و باخر عمر بسیار مال گردد و هر که بیمار شود زود به شود و هر که بکر یزد هم اندر روز بگیرندش و هر که خواب بیند خبر شران هم زود بدید آید و هر چیز که آید راست بود والله اعلم بالصواب .

جواهر ادعیه : رساله ایست مشتمل بر پنج باب : (۱) ادعیه سلطان (۲) ادعیه و سادات (۳) ادعیه اوقات ، (۴) ادعیه روز جمعه (۵) ادعیه حوایج و حادثات و از صفحه ۱۵۸ تا صفحه ۱۹۴ را دربر میگیرد مقدمه می دارد و متن بدین قرار است :

« بسم الله الرحمن الرحيم . الحمد لله رب العالمين والصلوة على رسوله محمد وآله اجمعين . جنین گفت ابوطار عبدالجلیل بن عبدالله الواعظ رضی الله عنه وعن والديه که طبع خلق متفاوتست و خلفت در طبع ثابت است گروهی ثنا و مدحت خواهند و گروهی فضل و عفت خواهند و بعضی استماع مدایح کراهیت دارند فاما همه اصناف بدعا راغب اند زیرا ج آنکه بهترین خلق بود و مقدمه اولیا بود محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم او مشتاق دعا بود چنانکه وصیت کرد ابوبکر صدیق را رضی الله عنه گفت یا ابابکر چون بعد از وفات من او پس قرنی را بینی از منش سلام کن و بسکوش تا مرا دعا گوید بر حسب این حال ادعیه چند منظوم کردم و نام او جواهر ادعیه نهادم فاما من اکنون از جهت خویش ملتقطی کردم کی نیک دراز بود و مرد از فایده می بماند اکنون جنین باید که چون خواهی که کسی را فضل گوئی اول ثنا . حق عزوجل باید گفت و یا مدح رسول علیه السلام بیاید گفت

بسی مخلص باید گفت و بس دعا باید گفت و بس بیت باید گفت و بار دیگر دعا باید
و این کتاب بر پنج باب است . . .
معلوم نمیشود که منظوم کننده (ادعیه جند) که بر آن نام (جواهر ادعیه)
گذاشته چه کسی بوده این هم معلوم نمیشود که مقصود او از (نظم) چه بوده زیرا
فراریکه متن پنج باب ادعیه کتاب او ملاحظه میشود همه به نثر است ولی نثری مسجع
و مقفی و بعضی ادعیه را به یک رباعی و در یکی دو جا به چند رباعی خاتمه داده است آیا
نظم او همین نثر مسجع است ؟ یا رباعیات ؟ یا هر دو ؟
نمونه یازدهم نثر از صفحه ۱۵۹ در ثنا و صفت خداوند متعال .

خداوند عالم آن عزیز ازلی ملک ابدی جبار صمدی قهار سرمدی در نامه الهی
و منشور بادشاهی چنین می فرماید تا آیت چه باشد . . . خداوند عالم بادشاه بنی آدم آفرید
کارلوح قلم آن عزیز درازل و آن قدیم لم یزل آن حلیم بی بدل ان باد شاه لایزال آن
زنده بی که جان و زبانش نباید آن گوینده که کام و زبانش نباید آن خدای که چون
داد خواهد تدبیر گرش نباید چون گرفت خواهد حبلت گرش نباید تبارک الله رب العالمین
نمونه دوازدهم نثر از صفحه ۱۶۱-۱۶۲ در مدح و صفت بادشاه :

.. هر کی بر تخت امارت بر بادشاهی است او ظل خدا است و هر که سایه خدائی باشد
خلق را باسایش ره نمای باشد برین صفت بر همه خلایق درجات دارد و رعیت دعا گفتن
وی زواجیات دارد ایود تخت امارت را بطاعت سلطان عالم مزید دارد و شخص دولت
اورا بر سریر عزت متنسکن دارد و افتاب شرف اورا از فلک عالی بر شرق و مغرب تابان
دارد و ایوان حضرت های ویرا برفون کیوان برابر دارد و بساط رفیع ویرا معبد
ملوک کشور دارد و خاک میدان ویرا سجده گاه فغفور و قیصر دارد و اطناب ممالک
دنیا را در اطراف مملکت وی مطنب دارد و القاب و خطاب ویرا بر زبان موالی دینی
منقلب دارد و مستطاب است ویرا ایوان مشرف رفیع داراد و منشور عمر ویرا بقلم توفیق
داراد و هر مهماتی که در همت وی گردانست محصول داراد و مملکت دنیا با مملکت
عقیبی موصول داراد بنده و فضل بیت :

ای شاه جهان ملک بفرمان تو باد فرق فرقد زمین میدان تو باد
عز شرف جاه در ایون تو باد تاد هر بود مملکت سلطان تو باد

دو یاد داشت : در مقاله اول مربوط به فالنامه (اسناد خطی شهر غلغله) (۳)

شماره (۸۷) آریانا تا متذکر شدیم که در صفحه (۱۹۷) صفحه (۱۷)
کتاب فالنامه دو یاد داشتی است که در مجرم و جمادی الآخر سنه ۱۵۸۳ هجری قمری
راجع به تولد و وفات دو نفر گرفته شده و متن آنها هم در مقاله مذکور داده شده است .
شبهه خط این دو یاد داشت یک چیز است ولی به خط قسمت اول و دوم فالنامه و به روش خط
دولت شاه تولیکی شباهتی ندارد موضوع تولدی احسان الدین فرزندی یاد داشت کننده چیزی است
خصوصی و خانوادگی اما قضیه وفات (اسفند لار اجل کبیر سبهدار خر اسان) جنبه
تاریخی دارد ولی چون متاسفانه نام او گرفته نشده تعین هو نیست او امریست مشکل شبهه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ ذِكْرًا
 وَرَسُولُهُ مُحَمَّدٌ وَالْأَجْمَعِينَ أَيْزِ كِتَابٍ قَرَعَهُ اسْتَفَادَهُ
 أَنْدَامَا أَنْدَامًا بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَتَالِيفٌ كَرَدَهُ أَنْدَامًا وَسَبَّاحَةٌ أَنْدَامًا بِرَضَائِهِمْ وَأَنْدَامًا
 زَائِلَةٌ أَنْدَامًا بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 أَقْبَدَ بِرَأْسِهِ لَيْثَةً عَزَمَ دَرَسَتْ كَرَدَ وَطَهَارَةٌ جَائِزَةٌ
 يَبَارِدُ وَبَرَزِيَّتٌ سَهَبًا سَوِيَّةً قَلْبُهُ وَاللَّهُ أَحَدٌ لِيُخَوِّدَ أَنْدَامًا
 دَعَا كَرَدَ وَكُوبَةٌ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 وَيَكُوبُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
 جَعَلَ لِكُلِّ كِتَابٍ أَنْجَلًا وَمَهُوَ اللَّهُ مَا كُنْتُ وَتَلَيْتُ وَعِنْدَهُ
 أُمُّ الْكِتَابِ هُوَ وَأَنْدَامًا قَرَعَهُ رَأْسُهُ أَرْدُوسُهُ جَارِيَةٌ
 وَيَكُودُ أَنْدَامًا بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 نَاجِيَةٌ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَوَكَّلَ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ
 رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَكَرَامِيَّتُهَا تَقْدِيرُهُ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ
 رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَرَادَ كَرَامِيَّتُهَا تَقْدِيرُهُ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ
 رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَتَوَكَّلَ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ رَأْسِي اللَّهِ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
 كَرَدَ وَتَشَابُهِ زِدْ كَرَامِيَّتُهَا تَقْدِيرُهُ بِرَأْسِهِ مُحَمَّدٌ

مولود و در بدایه نزه احسان الادی عجزیر لاسان

زیده رفیعاً لرشب سه شنبه نماز خستی

محرماه محرمه سه شنبه و نماز و حسن ماه

۵۸۳

وفات مجلسی مع حداد امیر اسعفا از حد کبریه

معه غاکر و عماد الدوله و الادی و طهر

شنبه

رحمة الله و قد و شنبه

ماریخ الثالث من جمادی الاخره و عتبت و عتبت و عتبت

۵۸۴

خدای یغایی بر و رحمت کناد و کتاها از اعدا

عجو کتاها از فیما میان رحمت کناد و کتاها از اعدا

نیست که مناصب سپهداری و اسفہسالاری بدون سوابق قدیم پیش از اسلام درشش قرن قبل از مغل در افغانستان وجود داشت و بدین القاب سپهدارها و اسفہسالار هائی در خراسان و سیستان گذشته اند ولی استعمال بعضی صفات دیگر از قبیل (سپہسالار کبیر، امیر کبیر) در دوره سلاجقه و غوری و خوارزمشاهی در کشور ما معمول بوده و سال ۵۸۳ هجری در دوره سلطنت سلطان غیاث الدین غوری در جنوب و سلطان شاه بن ایل ارسلان در شمال میباشد و احتمال قوی میرود که سپهدار مذکور یا از طرف غوری یا سلاجقه در خراسان نامزد شده باشد و امید است با مطالعه دقیق موضوع اسم و هویت او واضح تر شود.

کتاب قرعه: یکی از رسایل قسمت دوم فالنامه کتاب قرعه است که از صفحه (۱۹۸)

تا صفحه (۲۴۶) را دربر میگیرد و با علایی مر کب از حروف الفبا پارچه های مختلف متن از هم جدا شده است برای معرفی مزید این رساله عین مقدمه آنرا نقل میکنیم:

«بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة على رسوله محمد وآله اجمعين. این کتاب قرعه است که نهاده اند امامان دین از بهر امتنان محمد راضی الله علیه و سلم و تالیف کرده اند و بساخته اند بر ضمیرها و اندیشهها و رایها و تدبیرها مردمان تاهر کرا تدبیری و رای و اندیشه افتد بران اندیشه عزم درست کند و طهارت یا کبزه بیارد و بران نیت سه بار سورت قل هو الله احد بخواند آنکه دعا کند و گوید یارب خیر شو این اندیشه مرا باز نمای و بگوید الحمد لله الذی جعل کل شی قدر او الحمد لله الذی جعل لکل کتاب اجلا ینو الله ما یشا و یثبت و عنده ام الکتاب. و آنکه قرعه را بردارد و سه بار بگوید و بگرداند بر نیت و اندیشه خویش آنکه بنگرد تا چه براید ان کار بکند تو کل بر خداوند تعالی کند و اگر ایت تهدید باشد یا ایت عذاب دست از ان کار کوتاه کند و توقف کند و صبر کند و شتاب زدگی نسکند.»

نمونه سیزدهم نثر از صفحه ۲۰۳ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

قوله عز وجل و یهدیکم صراطاً مستقیماً و ینصرك الله نصراً عزیزاً ای خداوند قال بدان که این فالت نیک آمد و خدای تعالی ترانعتی دهد و خواسته دهد بی اندازه و بی کرانه چنانکه شاد کردی و جشت روشن شود بیدار فرزندی شایسته و بسندیده با برخوردار و بسیار کارها بردست تو براید کما قال الله تعالی: ینصركم الله و ینصركم ذنوبکم آنکه کردم بطالع این اندیشه قوس است و خداوندوی مشتری اندر خانه هفتم ره نماید بر آمدن کارها خاصه این کار از روی زنان و هنبازی نیکوینها بینی و کشاده کشتن کارها و برآمد حاصل آمدن باشادی و باسعادت و فرخی و بیروزی انشاء الله تعالی.

رساله نجوم یا کشف طالع: چهارمین حصه عمده قسمت دوم فالنامه رساله نجوم یا کشف

طالع است که از صفحه (۲۶۸) شروع میشود و تا آخر کتاب صفحه (۳۴۹) ادامه دارد و چون از آخر کتاب صفحاتی کم برداشت این رساله هم ناقص میباشد. اصل نام این رساله معلوم نشد در متن از ستاره و کواکب بحث شده است ولی موضوع اصلی کشف طالع است که باشناختن کواکب بروج ارتباط دارد اینک مقدمه رساله:

«بسم الله الرحمن الرحيم: الحمد لله رب العالمين والعاقبة للمتقين والصلوة على

رسوله واله اجمعین بدانکه دوهزار دوست بیست نه ستاره کی سیار انند که اقال الله تعالی (زینا السها الدنیا بزینته السکواکب) الایه (تبارک الذی جعل فی السما بر و جاً) الایه (والشمس والقمر والجنوم سخرات بامرہ الاله الحلق والامر تبارک الله رب العالمین) بدانکه خداوند تبارک و تعالی راعفت ستاره بزرگ است و افریدست و برج افریدست کی دوازده ستاره و همه او میان برین دوازده ستاره محکم کنند بقدرت الله تعالی و همه حیوانات از دو نوع نرو ماده ستارگان بزرگ هفت است و آسمان هفت است و زمین هفت است و دریا هفت است و کوه های نام دار هفت است و فاتحه هفت آیت است و این همه هفت کا نیهاست سال دوازده ماه است و حروف است و محمد رسول الله دوازده حروف است و جزیرها دوازده است و ستاره دوازده است و حمل، ثور، جوزاء، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو، حوت. . .



رساله های قسمت دوم فالنامه به نحوی که در بالا ملاحظه شد عموماً از فال بینی و کشف روی طالع بحث میکنند که از نقطه نظر موضوع شاید برای عده محدودی دلچسپ باشد اما از نقطه نظر زبان و سبک نگارش و املا و شیوه رسم الخط در خور اهمیت است و این اهمیت از قسمت های اول فالنامه به مراتب بیشتر میباشد. شیوه خط قسمت دوم کتاب که در تمام رساله ها یکدست میباشد طوریکه در مقاله اول مربوط این کتاب اظهار نمودیم شباهت به نسخه (خدا) کتاب التفهیم استاد ابو ریحان بیرونی دارد که در ۵۳۸ تحریر شده و خط ثلثی است که در قرن ۴ و ۵ هجری معمول بود و ممیزات آن قرار ذیل است :

(۱) د نباله الف آخر کلمات هیچ جا بطرف پایان قدری کشیده شده. تصویر (۱) ملاحظه شود.

(۲) دال های فارسی بصورت ذال معجمه نوشته شده مثال خداوند، شاذ.

(۳) ک فارسی همجه کجا باریک تر از کش نوشته شده

(۴) (پ) بایک نقطه نوشته شده مثال : جنان بجای چنان

(۵) نقطه های (ی) در بعضی جاها در وسط خانه (ی) نوشته شده

(۶) کلمه (که) موصوله و رابطه عموماً بصورت (کی) نوشته شده

از نقطه نظر سبک قراریکه در مقالات گذشته اشاره شده تقریباً تمام ممیزات سبک اول دری بدون (ایدون) و (ایندر) در رسایل قسمت دوم کتاب فالنامه دیده میشود و این رسایل بگمان غالب بحیث مجموعه قبل از تاریخ یاد داشت های صفحه (۱۱۰) کتاب یعنی قبل از سال ۵۸۳ هجری قمری وجود خارجی داشته.

از روی روش خط واضح معلوم میشود که خط دو انشاء تولدکی (حوالی ۶۰۶ تا ۶۱۱ هجری قمری) و خط یاد داشت کنند در صفحه (۱۱۰) کتاب و خط رسایل قسمت دوم فالنامه از یکدیگر متفاوت است و رسایلی که درین مقاله از آن ها بحث شده است بگمان غالب در اواخر قرن ۵ یا اوایل قرن ۶ در تولد یا در میان وجود خارجی داشته است.